

تهی‌دستان شهری و عدم جذب در بازار کار رسمی

(مورد مطالعه: مهاجران روستایی فقیر شهر تهران)*

عبدالرسول هاشمی^۱، مصطفی ازکیا^۲، سیدیعقوب موسوی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۹

چکیده

هدف از مطالعه حاضر فهم چگونگی و چرایی عدم جذب (طرد) مهاجران فقیر روستایی به شهر تهران در بازار کار است. در این تحقیق، از روش نظریه مبنایی استفاده شده که از روش‌های کیفی به‌شمار می‌رود. جامعه مورد مطالعه سرپرستان خانوارهای تهی‌دست شهری ساکن در مناطق ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ شهر تهران است، که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و تا اشباع نظری ادامه یافت. پس از طی مراحل کدگذاری، یافته‌های تحقیق بر اساس مدل پارادایمی پژوهش در پنج محور شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، بستر و زمینه، راهبردها و پیامدها قرار گرفت و مقوله هسته‌ای با عنوان طرد اجتماعی از بازار کار رسمی حاصل شد. در این مقاله، به شرایط علی پرداخته می‌شود. این شرایط بر اساس نظر مشارکت‌کنندگان، شامل چهار مقوله اصلی (ضعف سرمایه‌های اقتصادی، ضعف سرمایه‌های انسانی، شرایط نامساعد اقتصادی و شرایط نامساعد محیط کار) است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بسیاری از فقرای ساکن در مناطق مورد مطالعه دارای منشأ روستایی بوده‌اند و پس از مهاجرت به تهران انواع طرد در بازار کار رسمی را تجربه کرده‌اند. در این میان، شرایط نامساعد اقتصادی مانند تحریم‌های اقتصادی، شیوع بیماری کرونا، مکانیزه شدن تولید کالا و ارائه خدمات و حضور اتباع خارجی بر آسیب‌پذیری و طرد افراد از بازار کار رسمی تأثیر داشته است. همچنین شرایط نامساعد کاری مانند درآمد اندک و فقدان حمایت اجتماعی و آسیب‌های جسمی و روانی و استعمار به طرد آنان از بازار کار منجر شده است.

واژگان کلیدی: بازار کار، تهران، تهی‌دستان شهری، فقر شهری، طرد اجتماعی.

* مقاله علمی پژوهشی مستخرج از رساله دکتری جامعه‌شناسی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی تجربه زیسته فقرای

شهری منطقه ۱۷، ۱۸ و ۱۹ شهر تهران»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

r.hashemi35@yahoo.com

۲ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، mostafa_azkia@yahoo.com

۳ دانشیار جامعه‌شناسی شهری، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، y.mousavi91@alzahra.ac.ir

Journal of Community Development

(Rural and Urban Communities)

Vol. 13, No. 1, Spring and Summer 2021

Urban poverty and lack of absorption in the labor market(Case study: poor rural immigrants in Tehran)

Abdorasoul Hashemi¹, Mostafa Azkia², Seyed Yaghoub Mousavi³

Received March 12, 2021 Accepted September 10, 2021

Abstract

The purpose of this study is to understand how and why of the exclusion of poor rural immigrants to Tehran in the labor market. In this research, the basic theory method is used, which is a qualitative method. The study population is the heads of urban poor households living in districts 17, 18 and 19 of Tehran, which was selected by purposive sampling and continued until theoretical saturation. After the coding process, the research findings based on the paradigm model of the research are divided into five axes: causal conditions, intervening conditions, context, strategies and consequences, and the nuclear category was obtained as social exclusion from the formal labor market. In this article, the causal conditions are discussed. According to the participants, these conditions include four main categories (weakness of economic capital, weakness of human capital, unfavorable economic conditions and unfavorable working environment conditions). The research findings show that many poor people living in the study areas, who had a rural origin, have experienced all kinds of exclusion in the formal labor market after migrating to Tehran. Meanwhile, unfavorable economic conditions such as economic sanctions, the spread of Coronavirus, mechanization of production and provision of services and the presence of foreign nationals have affected the vulnerability and exclusion of people from the formal labor market. Also, unfavorable working conditions such as low income and lack of social support and physical and psychological harm and exploitation have led to their exclusion from the labor market.

Keywords: urban poor, urban poverty, social exclusion, labor market, Tehran

Scientific-research article, extracted from the doctoral dissertation of Sociology entitled: "Sociological analysis of the lived experience of urban poor in 17th, 18th and 19th districts of Tehran", Islamic Azad University, Science and Research Branch

1 Ph.D. Student in Sociology of Economics and Development, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author) r.hashemi35@yahoo.com

2 Professor of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran, mostafa_azkia@yahoo.com

3 Associate Professor in Urban Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran, y.mousavi91@alzahra.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

مسئله فقر شهری در کشورهای درحال توسعه توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. امروزه بیش از ۵۰ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و این روند درحال گسترش است. پیش‌بینی می‌شود، تا سال ۲۰۵۰، از هر ۱۰ نفر ۷ نفر از جمعیت جهان در شهرها زندگی کنند. در این بین، حدود ۹۵ درصد توسعه شهری در دهه‌های آینده در کشورهای درحال توسعه اتفاق می‌افتد (بانک جهانی، ۲۰۲۰). در مورد ایران، بررسی روند شهرنشینی بر مبنای سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۵ بیانگر رشد شتابان شهرنشینی در کشور است، چنان‌که سهم جمعیت شهرنشین کشور از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد کل جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ رسیده است؛ درحالی‌که جمعیت روستانشین از ۶۸ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۶ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸: ۱۲). سرعت ابعاد شهرنشینی مشکلات و چالش‌های زیادی را به وجود آورده است. مانند تقاضای روبه‌رشد مسکن، زیرساخت‌ها مانند سیستم حمل‌ونقل سریع و کارآمد، اشتغال و کار برای تقریباً یک میلیارد نفر از فقرا شهری که در اقامتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. این افراد برای اینکه نزدیک به فرصت‌های شغلی باشند، مجبور هستند در حاشیه شهرها زندگی کنند (بانک جهانی، ۲۰۲۰).

نگاهی به روند شکل‌گیری و گسترش شهر تهران نشان می‌دهد مهاجرت به تهران همواره نقش زیادی در رشد این شهر داشته است. نوع مهاجرت‌ها با توجه به منشأ روستایی و شهری و اسکان آن‌ها در مناطق ۲۲گانه شهر تهران نیز متفاوت است. مناطق عمدتاً جنوبی شهر تهران بیشترین درصد مهاجران روستایی را به خود جذب کرده‌اند و بیشترین درصد مهاجران شهری با حدود ۸۴ درصد به مناطق توسعه‌یافته‌تر مانند ۲، ۵، ۶ و ۱۴ وارد شده‌اند (زارع، ۱۳۸۹: ۲۶). بنابراین پیشینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهاجران در نحوه اسکان آن‌ها نقش داشته است. همچنین داده‌های آماری نشان می‌دهد، طی دهه‌های گذشته شکل‌گیری جمعیت در استان تهران متأثر از اسکان غیررسمی گروه‌های کم درآمد و استقرار بی‌رویه و پراکنده فعالیت در اراضی حاشیه‌ای و اطراف آبادی‌ها و شهرها و راه‌های اصلی منطقه بوده است (فتحی، ۱۳۹۷: ۳۲). تحقیقات متعدد حاکی از اختلاف زیاد در توسعه‌یافتگی مناطق شهر تهران است. برای مثال

بیشترین درجه توسعه یافتگی به منطقه ۳ و کمترین به مناطق ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ تعلق داشته است (صادقی و رنجبری، ۱۳۹۶: ۱۴۹).

با توجه به مهاجرپذیری شهر تهران، مسئله ادغام اجتماعی گروه‌های مهاجر در جامعه شهری اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در این بین، کار و اشتغال از عوامل اصلی ادغام اجتماعی است. شهرها و به‌ویژه کلان‌شهر تهران در عین حال که کانون تمدن و رشد فرصت‌های متعدد هستند، می‌توانند به منشأ ترس، ناامنی و انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی مبدل شوند. امروزه کلان‌شهرها در کشورهای در حال توسعه با مسائل فراوانی روبه‌رو هستند؛ به طوری که حل و کنترل آن‌ها از توان مدیریت شهری خارج است. از جمله این مسائل، مهاجرت گروه‌های فقیر روستایی و پیامدهای متعدد آن است. کلان‌شهر تهران نیز از این قاعده مستثنا نیست. در چند دهه گذشته به دلیل مهاجرت بی‌رویه و بی‌قاعده، تعادل نظام شهری به هم خورده است. بی‌توجهی به موضوع توسعه متوازن، باعث شده که هر ساله افراد زیادی از مناطق کمتر توسعه یافته کشور در جستجوی کار به تهران وارد شوند. این افراد به دلیل عدم جذب در نظام اجتماعی اقتصادی شهری انواع طرد اجتماعی را تجربه می‌کنند.

اشتغال و معیشت تهی‌دستان شهری اغلب با ویژگی‌هایی از قبیل غیررسمی، موقتی، کاذب، خدماتی سطح پائین، بی‌ثبات و آسیب‌پذیر در مقابل مخاطرات و درآمد اندک توصیف شده است (راتن^۱، ۱۹۹۵؛ دوسوتو، ۱۳۸۶، ناریان و همکاران، ۱۳۹۰، چمبرز^۲، ۱۹۸۹). یکی از وجوه مهم کار و اشتغال فقرای شهری غیررسمی بودن است. اقتصاد غیررسمی در مقابل اقتصاد بخش رسمی قرار دارد. بخش غیررسمی در همه ابعاد معیشتی فقرای شهری وجود دارد، از اشتغال گرفته تا مسکن و آموزش و بهداشت و درمان. این اصطلاح اولین بار توسط هارت در دهه ۱۹۷۰ به دنبال مهاجرت روستائیان به شهرها و محدود شدن قدرت جذب نیروی کار در بخش صنعت در اقتصادهای در حال توسعه به کار گرفته شد. بسیاری از مهاجران به ناچار در بخش‌های غیررسمی مشغول کار هستند که شرایط نامطلوب و درآمد اندک و بی‌ثبات دارند (گیلبرت، ۱۳۷۵: ۱۵۶). در عام‌ترین تعریف بخش غیررسمی هرگونه فعالیت اقتصادی و یا منبع درآمدی است که در معرض مقررات دولتی و مالیاتی و یا مشاهده قرار نمی‌گیرند. مزومدر (۱۹۷۶)^۳

1 Wratten, 1995

2 Chambers, 1989

3 Mazumdar, 1976

بخش غیررسمی را برخلاف بخش رسمی که از حمایت‌های قانونی برخوردار است، از قوانین تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، و قوانین کار محروم می‌داند (بختیاری و خوب‌خواهی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). در نتیجه، غیررسمی بودن اشتغال فقرای شهری، به آسیب‌پذیری بالا در مقابل مخاطرات اقتصادی و طرد از بازار کار منجر می‌شود.

از طرفی، مفهوم طرد برای نشان دادن عدم ادغام اجتماعی کسانی که از شبکه حمایت اجتماعی خارج شده‌اند و کسانی که تحت تأثیر بیکاری طولانی‌مدت قرار گرفته‌اند به کار برده می‌شود. این مفهوم به وضعیتی نامساعد و چندوجهی شامل در حاشیه قرار گرفتن در بازار کار، فقر و انزوای اجتماعی اطلاق می‌شود. این ابعاد مختلف همدیگر را تقویت می‌کنند و به چرخه‌ای از وخامت و زوال بیشتر موقعیت بازار کار و مردم منجر می‌شوند. بنابراین طرد اجتماعی به اشکال درهم‌تنیده محرومیت ناشی از ساختارهای فقر اشاره دارد. مفهوم طرد به پیچیدگی‌های مفهوم فقر می‌افزاید و ما را متوجه ساختارها و فرایندهایی می‌کند که موجب می‌شود فقرا از بازار کار و ایفای نقش مؤثر در اجتماع محروم شوند. طرد اجتماعی و شهری از جلوه‌های بارز فقر شهری است.

مطالعه حاضر باهدف شناخت علل، شرایط، زمینه‌ها، راهبردها و پیامدهای طرد مهاجران فقیر روستایی به شهر تهران از بازار کار رسمی انجام شده است. محققان در مواجهه با جامعه مورد مطالعه، با این واقعیت مواجه شدند که بسیاری از فقرای ساکن در این محلات یا به تازگی از روستای خود برای کار به تهران مهاجرت کرده‌اند و یا یک نسل قبل والدین آنان از جمله مهاجرین فقیر روستایی بوده‌اند. با وجود این، در بسیاری مواقع، مهاجرت به خروج آنان از فقر منجر نشده است، به گونه‌ای که می‌توان از آن با عنوان فقر بین‌نسلی یاد کرد. این دسته مهاجران اغلب به اشتغال در بخش‌های غیررسمی و کم‌درآمد و موقت ناچار شده‌اند. لذا این سؤال مطرح شده است که چرا تهی‌دستان شهری با منشأ روستایی نتوانسته‌اند در بازار کار رسمی در شهر جذب شوند؟ و چه عوامل و زمینه‌هایی مانع از ایفای نقش شایسته آنان در بازار کار شده است و سبب شده آنان در حیات شهری به حاشیه رانده شوند؟.

حساسیت نظری و چارچوب مفهومی

مفهوم طرد اجتماعی جایگاه مهمی در تحقیقات اجتماعی و سیاست اجتماعی داشته است. محققان ریشه این مفهوم را در آثار نویسندگان مختلف دانسته‌اند؛ از جمله سیلور لیستی بلندبالا

از جامعه‌شناسانی که بر توسعه این مفهوم تأثیر داشته‌اند برمی‌شمارد، از جمله: ماکس وبر، جورج زیمل، نوربرت الیاس و اروینگ گافمن. این مفهوم در طی زمان فراگیر و جهانی شده و به‌صورت مفهومی در نقطه تلاقی جامعه‌شناسی و سیاست اجتماعی درآمده است. در فرانسه این مفهوم در دهه ۱۹۷۰ برای تعریف عدم ادغام اجتماعی (جدایی اجتماعی) برای کسانی که از شبکه حمایت اجتماعی خارج شده‌اند و شامل کسانی که تحت تأثیر بیکاری طولانی مدت قرار گرفته‌اند، به‌کار برده شده است. به‌عبارت‌دیگر، طرد اجتماعی در ابتدا برای توصیف وضعیت اجتماعی فقرا مورد استفاده قرار گرفت. چندین تعریف مهم درباره طرد اجتماعی مطرح شده است، که قدر مشترک تمام آن‌ها به وضعیت نامساعد و چندوجهی در حاشیه قرار گرفتن در بازار کار، فقر و انزوای اجتماعی دلالت دارد. این ابعاد مختلف همدیگر را تقویت می‌کنند و به چرخه‌ای از وخامت و زوال بیشتر موقعیت افراد در بازار کار و جامعه منجر می‌شوند (نووسیلسکی^۱، ۲۰۱۲: ۳۷۱).

سیلور^۲ (۲۰۰۷) طرد اجتماعی را با توجه به دیدگاه‌های مختلف نظری، ایدئولوژی سیاسی و گفتمان‌های ملی توضیح می‌دهد. او سه الگوی متناقض همبستگی، تخصص و انحصار را نام می‌برد. هر یک از این الگوها مبتنی بر مفهومی متفاوت از ادغام و شهروندی هستند. سیلور به‌طورکلی دو نوع تعریف برای توصیف طرد اجتماعی مطرح می‌کند. نخست؛ تعریف نسبتاً تقلیل‌گرایانه که به مفهوم فقر نسبی تانزند بسیار نزدیک است: به معنی فقدان منابع مادی و محروم بودن از الگوی رایج فعالیت‌ها و رسوم متداول زندگی و دوم، معنی گسترده‌تر که علاوه‌برآن، سایر گروه‌های اجتماعی خارج از جریان اصلی جامعه را نیز در برمی‌گیرد، و نه تنها فقر، بلکه ویژگی‌های دیگر از جمله: نژاد، ملیت، قومیت، سن، جنس، جنسیت و بی‌قدرتی را شامل می‌شود. هر یک از این ویژگی‌ها سبب می‌شود فرد یا گروهی به‌درستی در ساختار اجتماعی ننگند. بنابراین مفهوم طرد اجتماعی به معنی ازهم‌گسیختگی پیوند اجتماعی است و به روند کاهش مشارکت و همبستگی اجتماعی و دسترسی افراد و گروه‌ها اشاره دارد و در سطح فردی به ناتوانی افراد در شرکت در فعالیت‌های اجتماعی متداول و ساختن روابط اجتماعی معنی‌دار می‌پردازد. سیلور ضمن پرداختن به رابطه فقر مزمن و طرد، معتقد است طرد اجتماعی

1 Nowosielski, 2012

2 Silver, 2007

در سطوح مختلف اتفاق می‌افتد. وی سه سطح خرد (فردی)، میانی (گروهی) و کلان (ملی) و حتی بین‌المللی را ذکر می‌کند. در سطح خرد نشان می‌دهد که چگونه حوادث زندگی یا تغییرات تاریخی باعث طرد می‌شوند. در سطح میانه بر گروه‌ها تأکید می‌شود، اینکه چگونه ترسیم تمایزها و مرزهای اجتماعی به طرد برخی گروه‌ها منجر می‌شود. در سطح کلان، درک ملی و گسترده مفهوم طرد اجتماعی و همچنین معرف آن در کشورهای مختلف متفاوت است (سیلور، ۲۰۰۷: ۱۲۴).

در مقایسه مفهوم فقر و طرد نیز باید گفت طرد اجتماعی مفهومی چندوجهی و فراتر از ابعاد مادی و اقتصادی است و بر دامنه متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مانند طرد از حقوق شهروندی، طرد از مشارکت در زندگی اجتماعی و طرد جنسیتی اشاره دارد. طرد دارای ویژگی‌هایی از قبیل: چندبُعدی بودن، پویایی، جمعی و رابطه‌ای است. چندبُعدی از آن‌روست که ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به هم پیوند می‌دهد. پویایی از آن‌جهت است که به‌عنوان سازه‌ای پویا و چندبُعدی بر نارسایی‌های نهادهایی که می‌بایست انسجام اجتماعی را تأمین کنند، اشاره دارد. جمعی به این معنی است که علل آن نه فردی بلکه ناشی از سازوکارهای جمعی است. همچنین رابطه‌ای است و بر ارتباط بین ساخت‌های متعدد اجتماعی و اقتصادی در تمام سطوح خرد میانی و کلان دلالت دارد. طرد اجتماعی هم معلول و هم پیش‌شرط فقر است و ناشی از ترکیب درهم‌تنیده اشکال نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و قدرت سیاسی است که به عقب‌ماندگی، سقوط و انکار نظام‌مند افراد و اجتماعات از دستیابی به حقوق و فرصت‌ها و منابع منجر می‌شود.

طرد از بازار کار یکی از ابعاد و مؤلفه‌های اصلی طرد اجتماعی است. از اوایل دهه ۱۹۸۰ و در پی گسترش جهانی شدن و تحولات بازار کار، نظام سرمایه‌داری با انواع جدیدی از قوانین اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با ابعاد فراملیتی همراه شد. افزایش بیکاری و گسترش فقر موجب شد تا مفهوم طرد اجتماعی به‌طور گسترده‌تری برای تحلیل فرایندهای فروپاشی و شرایط ناامنی اجتماعی به‌کارگرفته شود. در این دوره مسئله فقر صرفاً به حاشیه‌ها مانند افراد ناتوان یا کسانی که از هنجارهای اجتماعی فاصله گرفته‌اند معطوف نبوده، بلکه با مسائلی چندبُعدی چون مخاطرات شغلی، بیکاری، تزلزل و بی‌ثباتی و فروپاشی شبکه‌های خانوادگی، ازدست دادن

موقعیت اجتماعی، فروپاشی ساختار اجتماعی و از دست رفتن ارزش‌های جمعی همراه بوده است (غفاری و امیدی، ۱۳۸۹: ۴۱).

در نظریه مارکس طرد از کار در چارچوب بحث از خودبیگانگی قرار می‌گیرد. به نظر مارکس در نظام سرمایه‌داری، کارگر از محصول کار خود جدا می‌شود و تولید برای سود انجام می‌شود. قطعه‌قطعه شدن کار در تولید کارخانه‌ای و تخصص‌زدایی، موجب می‌شود نیروی کار کارگران به صورت کالایی قابل مبادله در بازار درآید. این روند سبب می‌شود کارفرمایان به راحتی نیروی کار را جایگزین و استثمار کنند. بدین ترتیب، ماهیت کار در جوامع سرمایه‌داری به دلیل تجزیه آن به اجزاء و تقسیم کار تخصصی و محدود کردن کارگران به جنبه‌هایی از تولید، بیگانه‌کننده است (توسلی، ۱۳۷۵: ۹۷).

با توجه به مطالب گفته شده، طرد از کار را می‌توان در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان مطرح کرد. در سطح خرد، به کنش‌های عاملان در بازار کار، در سطح میانی، به روابط کار بین گروه‌ها و سازمان‌های مختلف اجتماعی و در سطح کلان به ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که به خروج افراد از بازار کار منجر می‌شود. در مجموع با توجه به تعریف‌های بیان شده، بیکاری تنها یکی از اشکال طرد اجتماعی از بازار کار است و طرد از بازار کار را می‌توان شامل شرایط و عللی دانست که به آسیب‌دیدگی شغلی و خروج افراد از بازار کار منجر می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر با استفاده از روش کیفی نظریه مبنایی انجام شده است. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا عوض اتکا به نظریه‌های موجود و از پیش تدوین شده، خود به تدوین نظریه‌ها و گزاره‌ها بر اساس داده‌های واقعی اقدام کند (ازکیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵۰). تکنیک‌های مورد استفاده در تحقیق حاضر، شامل مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، مشاهدات مستقیم میدانی، یادداشت‌نویسی، ضبط داده‌ها و مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته است.

محل این تحقیق، مناطق ۱۷، ۱۸ و ۱۹ شهرداری تهران، واقع در جنوب و جنوب غرب تهران است. دلیل انتخاب این مناطق، میزان توسعه‌یافتگی کمتر در مقایسه با دیگر مناطق توسعه‌یافته تهران است. منطقه ۱۷ شهری تهران با جمعیت ۲۷۸۳۵۴ نفر و مساحت ۸/۲۲ کیلومترمربع متراکم‌ترین منطقه شهر تهران لقب گرفته است. این منطقه از سه ناحیه و ۱۴ محله

تشکیل شده و درصد بافت فرسوده آن حدود یک‌چهارم کل مساحت آن است. همچنین ۵۰ درصد بناهای موجود در آن دارای بافت ناپایدار است. منطقه ۱۸ شهرداری تهران طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، دارای جمعیتی حدود ۴۱۹۲۴۹ نفر و مساحت آن ۸۸/۱۸ کیلومترمربع است که از ۷ ناحیه و ۱۸ محله تشکیل شده است. این منطقه به دلیل موقعیت مناسب به‌عنوان مدخل شهر تهران و قیمت پائین اراضی، مهاجران کم‌درآمد را به‌خود جذب کرده است و دارای بافت مسکونی پرتراکم، ریزدانه و با معابر دسترسی کم‌عرض است. منطقه ۱۹ شهرداری تهران نیز با مساحت حدود ۸۹ هزار کیلومترمربع حدود ۲۹۵ هزار نفر جمعیت دارد و دارای ۵ ناحیه و ۱۳ محله است. از جمله اماکن شاخص منطقه نیز می‌توان به کوره‌های آجرپزی، میدان تره‌بار مرکزی شهر تهران و بهشت‌زهرا و مرقد مطهر امام راحل (ره) و مرکز خرید و فروش همگانی خودرو اشاره کرد (پورتال مناطق شهرداری تهران، ۱۳۹۹).

روش نمونه‌گیری ابتدا به‌صورت هدفمند بوده است، به این معنی که سرپرستان خانوارهای ساکن در مناطق مورد مطالعه که در شرایط فقر معیشتی قرار داشتند به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و در ادامه نمونه‌گیری نظری و تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. برای انتخاب نمونه‌ها ابتدا با حضور محقق در میدان تحقیق و مراجعه به اهالی و فعالان محلات مانند کسبه، متولیان مساجد و مؤسسه‌های خیریه، افراد واجد شرایط مصاحبه شناسایی شدند و با برقراری ارتباط و جلب موافقت آنان، زمان و مکان مصاحبه تعیین شد. همچنین برای انتخاب نمونه‌ها، تلاش شد حتی‌الامکان ترکیبی از گروه‌های سنی، جنسی، شغلی و تحصیلی و محل سکونت در محله‌های شهری لحاظ شود. زمان تحقیق از اوایل زمستان ۱۳۹۸ شروع و تا اوایل زمستان ۱۳۹۹ به مدت یک سال ادامه یافت. مدت مصاحبه‌ها نیز از یک تا دو ساعت متغیر بوده است. همچنین با توجه به محدودیت‌ها و شرایط دشوار ناشی از کرونا، تلاش شد مصاحبه‌ها با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در دوران کرونا انجام شود.

پس از انجام هر مصاحبه و یادداشت‌برداری از میدان تحقیق، نسبت به تنظیم یادداشت‌ها و نگارش محتوای مصاحبه‌ها اقدام شد. در این مرحله به‌منظور کدگذاری باز، محتوای مصاحبه‌ها چند بار مورد مطالعه و بازبینی واقع شد و مفاهیم به‌صورت جزئی مشخص شدند. همچنین به‌منظور شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر مطالب و مقایسه مفاهیم با یکدیگر، یادداشت‌های تحلیلی پس از هر مصاحبه ارائه شد. در مرحله کدگذاری محوری، ارتباط مقوله‌ها و خرده مقوله‌ها در

چارچوب مدل پارادایمی حاصل از روش گرنند تئوری (شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) با یکدیگر برقرار شد و در نتیجه در مرحله کدگذاری گزینشی مقوله اصلی و مرکزی پژوهش پدیدار شد.

برای اطمینان از قابلیت اعتماد از سه تکنیک متعارف و مرسوم استفاده شده، که عبارتند از: ۱. کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا، که در این روش از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن‌ها نظر دهند؛ ۲. مقایسه‌های تحلیلی به این معنی که به داده‌های خام رجوع شد، تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌ها مقایسه و ارزیابی شود؛ ۳. استفاده از تکنیک ممیزی که در این زمینه، چند متخصص بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقوله‌ها نظارت داشتند. در خصوص رعایت اصول اخلاقی در پژوهش نیز ابتدا هدف و نحوه تحقیق به مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد و با کسب رضایت از آنان برای شرکت در پژوهش مصاحبه‌ها انجام شد. در مورد ضبط محتوای مصاحبه‌ها با اطلاع و موافقت مشارکت‌کنندگان مصاحبه‌ها ضبط و اصل محرمانه بودن اطلاعات رعایت شد.

یافته‌های تحقیق

مشخصات مشارکت‌کنندگان: در مجموع ۳۷ نفر از افرادی که در شرایط فقر و تنگدستی بودند و به مصاحبه تمایل داشتند، در تحقیق مشارکت کرده‌اند. ویژگی‌های آنان بدین ترتیب بود که از نظر جنسیت ۲۱ نفر (۵۶) درصد زن و ۱۶ نفر (۴۳) درصد مرد، از لحاظ شرایط سنی حداقل سن افراد ۲۰ سال و حداکثر ۶۶ سال بوده است، که در این میان ۲۰ تا ۳۰ سال ۴ نفر، ۳۱ تا ۴۰ سال ۸ نفر، ۴۱ تا ۵۰ سال ۱۱ نفر، ۵۱ تا ۶۰ سال ۹ نفر و ۶۰ سال و بیشتر ۵ نفر را شامل می‌شود. در خصوص وضعیت اشتغال، ۱۴ نفر بیکار و مابقی مشاغلی مانند کارگری ساده ساختمان، کار در رستوران، پرندفروشی و کارگری پاره‌وقت و دست‌فروشی و نظافت منازل داشته‌اند. در خصوص تحصیلات، ۷ نفر بی‌سواد، ۹ نفر ابتدایی یا سواد خواندن و نوشتن، ۱۱ نفر سیکل و دیپلم ردی، ۷ نفر دیپلم و ۲ نفر لیسانس و ۱ نفر فوق‌لیسانس بوده است. در زمینه سابقه سکونت در شهر تهران، ۷ نفر متولد تهران و ۳۰ نفر سابقه سکونت در شهرستان داشته‌اند. مدت اقامت مشارکت‌کنندگان به این صورت بوده است که ۵ نفر پنج‌سال و کمتر، ۱۲ نفر بین ۶ تا

۱۵ سال، ۹ نفر بین ۱۶ تا ۲۵ سال و ۷ نفر ۲۶ تا ۳۵ سال و ۴ نفر بیش از ۳۶ سال سابقه سکونت در شهر تهران داشته‌اند.

ابعاد عدم جذب در بازار کار بر اساس مدل پارادایمی حاصل از تحقیق در چند محور تنظیم شده که شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها می‌شود. آنچه در این مبحث می‌آید شرایط علی عدم جذب در بازار کار رسمی است. شرایط علی و سبب‌ساز به آن دسته از رویدادها و وقایعی گفته می‌شود که مستقیماً بر پدیده مورد نظر تأثیر می‌گذارند. شرایط علی طرد از بازار کار بر اساس آنچه مشارکت‌کنندگان مطرح کرده‌اند، شامل چهار مقوله اصلی می‌شود که عبارتند از: ضعف سرمایه اقتصادی، ضعف سرمایه انسانی، مخاطرات و شرایط نامساعد اقتصادی و شرایط نامساعد کار فقرای شهری. این مقوله‌ها خود دارای زیرمقوله‌ها و مفاهیم متعددی هستند که در جدول زیر بیان می‌شود.

جدول ۱. مفاهیم، خرده مقولات و مقولات اصلی طرد اجتماعی از بازار کار

مقوله هسته‌ای	مقوله‌های اصلی	مفاهیم و خرده مقوله‌ها
طرد از بازار کار رسمی	ضعف سرمایه اقتصادی	سرمایه مالی (پول نقد، پس انداز)، سرمایه‌های فیزیکی (زمین، باغ، مسکن، وسیله نقلیه) کسب‌وکار-درآمد
	ضعف سرمایه انسانی	مهارت، تخصص، سواد و آموزش رسمی، آشنایی با محیط شهری، سلامتی جسم و بدن
	مخاطرات و شرایط نامساعد اقتصادی	ماشینی شدن و مکانیزه شدن تولید و خدمات، تحریم‌های اقتصادی، اپیدمی کرونا، حضور اتباع خارجی در بازار کار
	شرایط نامساعد محیط کاری	انواع آسیب‌دیدگی جسمی، انواع آسیب‌دیدگی روانی، فقدان حمایت‌های اجتماعی و قانونی، استثمار و بهره‌کشی: (ساعت‌های کار طولانی مدت با درآمد ثابت، کار طاقت‌فرسا و دستمزد اندک، عدم پرداخت دستمزد به‌موقع، عدم پرداخت کامل دستمزد توافق شده و تخلف کارفرمایان از مفاد قرارداد)

ضعف سرمایه‌های اقتصادی: مشارکت‌کنندگان در تحقیق ضعف سرمایه اقتصادی را یکی از علل عدم جذب خود در بازار کار رسمی عنوان کرده‌اند. سرمایه اقتصادی شامل مفاهیم و خرده مقوله‌هایی شامل سرمایه مالی (پول نقد، پس انداز)، دارایی‌ها (زمین، خانه، مغازه)، درآمد و

کسب و کار بوده است. آنان اظهار داشتند که سرمایه اقتصادی قابل اعتنایی برای حضور در بازار کار در روستای خود نداشتند و بیکاری مزمن روستایی به مهاجرت آنان به شهر منجر شده است. این موضوع نشان می‌دهد که پدیده فقر در محله‌ها و مناطق مورد مطالعه در شهر تهران تا حدود زیادی متأثر از فقر روستایی است. این دسته افراد با وجودی که ناچار به حضور در بازار کار غیررسمی شهری شده‌اند، همواره در تکاپو برای یافتن کار بوده‌اند و در بسیاری مواقع وضعیت بیکاری را تجربه کرده‌اند. در نتیجه همان‌طور که فقدان سرمایه اقتصادی کافی موجب ترک زادگاه و مهاجرت آنان به شهر شده، در بازار کار شهری نیز با عدم جذب در بازار کار مواجه شده‌اند. در واقع این دسته مهاجران طرد مضاعفی را تجربه کرده‌اند. طرد از زادگاه خود و طرد از جامعه شهری: «کسی می‌تونه شهرستان زندگی کنه که یا سرمایه داشته باشه یا مغازه یا کارمند باشه. اونجا نه کار داشتیم نه سرمایه؛ تهران هم اومدیم شکست خوردیم» (زن ۶۰ ساله)

پیشینه فقر روستایی مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد زمین نقش محوری و اصلی در زندگی آنان داشته است و فقدان زمین به مهاجرت آنان به شهر منجر شده است. مطالعات پیشین نیز اهمیت نقش زمین را در قشر بندی جامعه روستایی نشان می‌دهد به گونه‌ای که دهقانان خرده‌پا و فاقد زمین در زمره اقشار آسیب‌پذیر بوده‌اند (ازکیا، ۱۳۸۱: ۳۰). فقدان زمین کافی برای کشاورزی و امرارمعاش و از طرفی دیگر، تعدد فرزندان که زمین به آنان به ارث رسیده، از دیگر دلایل آسیب‌پذیری معیشت عنوان شده است:

«ما ۱۱ بچه بودیم: هفت تا برادر و چهارتا خواهر. زمین کوچکی از بابامون به ارث رسیده

بود، چیزی نداشتیم که روش کار کنیم» (مرد، ۶۰ ساله)

یکی از ویژگی‌های این دسته افراد فقر مداوم و درازمدت بوده که در جامعه شهری نیز تداوم داشته است:

«از لحاظ زندگی در روستا هم وضعمون همین‌طور بود و مشکل داشتیم نه زمین داشتیم و نه

کار درست و حسابی. اینجا هم فقیریم» (زن ۲۵ ساله).

همچنین، بیکاری و نداشتن درآمد در روستا از دلایلی بود که اغلب توسط مشارکت‌کنندگان به عنوان دلیل مهاجرت به تهران ذکر شده است. این مسئله نشان‌دهنده شرایط دشوار کسب و کار در روستا و عدم تعادل منابع درآمدی بین روستا و شهر است:

«بعد از ازدواج، پدر شوهرم گفت اینجا نمونید، فایده نداره کار نیست، برید تهران. اینجا هم که اومدیم کاری که کار باشه و درآمدی که درآمد باشه نداشتیم» (زن ۵۵ ساله).

ضعف سرمایه‌های انسانی: سرمایه انسانی در رویکرد توسعه انسانی اهمیت محوری دارد. این مفهوم با طرح دیدگاه فقر قابلیتی توسط امارتیا سن (۲۰۰۰) نیز مورد تأکید قرار گرفت. در دیدگاه‌های جامعه‌شناختی نیز مهارت و تخصص عاملی مهم برای تفاوت‌های طبقاتی است. گیدنز معتقد است که در نظام سرمایه‌داری علاوه بر ابزار تولید و کار کارگران که در نظریه مارکس عامل اختلاف طبقاتی در نظر گرفته شده، مهارت و تحصیلات نیز حق سومی است که شکل‌دهنده ساخت طبقاتی جوامع امروزی است (لهسائی‌زاده، ۱۳۷۴: ۷۴). سرمایه انسانی دارای ابعادی از قبیل: آموزش (تحصیلات)، مهارت (تخصص)، بهداشت (سلامت) و تجربه است. که هر یک با ارتقای نیروی کار، سبب انباشت سرمایه انسانی و متعاقب آن، افزایش رشد اقتصادی می‌شود. در تحقیق حاضر، مشارکت‌کنندگان ضعف سرمایه‌های انسانی مانند مهارت، تخصص، آموزش رسمی و سلامتی جسم و بدن را از علل مؤثر بر عدم جذب خود از بازار کار رسمی عنوان کرده‌اند. در نتیجه مشاغل غیررسمی به صورت پاره‌وقت و موقت تنها امکان ممر درآمد آن‌ها بوده است:

«شوهرم تنها کاری که می‌تونه انجام بده کارگری ساختمانه، اونم ساعت ۷ صبح باید بره تا ۵ بعد از ظهر. اونم معلوم نیست کار گیرش بیاد یا نیاد» (زن، ۲۵ ساله). «هرجا میریم برای کار می‌گن شما سواد نداری چیزی بلد نیستی الان نگهبانی هم می‌گن باید سواد داشته باشی» (مرد ۵۷ ساله).

در این بین، سرمایه جسمی (سلامتی جسم و بدن) در بیشتر مواقع تنها و مهم‌ترین سرمایه فقرای شهری برای عرضه در بازار کار بوده است. جسمی قوی و سالم داشتن از عوامل مؤثر بر پذیرش افراد در بازار کار توسط مشارکت‌کنندگان عنوان شده است. آنان بیماری و ضعف جسمانی را هم علت طرد و هم پیامد بیکاری و فقر دانسته‌اند. از نظر آنان ضعف جسمانی، معلولیت، بیماری‌های زمینه‌ای و ارثی به طرد از بازار کار منجر شده است:

«به خاطر مشکل جسمی (لکنت زبان) که داشتم خیلی جاها قبول نکردند برم سرکار» (مرد ۳۷ ساله). «وقتی متوجه شدم یک طرف بدنم درد می‌کند، کار در قطعه‌سازی خودرو را رها کردم. کلیه‌ام پیوندیه و نباید یک‌جا بنشینم. کلیه‌ام دفع پروتئین دارد» (زن ۲۵ ساله).

شرایط نامساعد اقتصادی: منظور از شرایط نامساعد اقتصادی انواع مخاطرات و بی‌ثباتی‌هایی است که نظام اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این شرایط برخی خارج از سیستم اقتصادی است، مانند بیماری‌های همه‌گیر و ناآرامی‌های سیاسی و برخی ناشی از کج‌کارکردهای نظام اقتصادی است. مفهوم متداول در علم اقتصاد برای نشان دادن قابلیت انعطاف و پایداری، تاب‌آوری اقتصادی است (طاهرپور، ۱۳۹۷: ۱۹۹). در مقابل آسیب‌پذیری به حالتی گفته می‌شود که در آن به دلیل وقوع حوادث غیرقابل پیش‌بینی، فرایند توسعه اقتصادی یک کشور عقب بیفتد. در ادبیات توسعه اصطلاح آسیب‌پذیری به معنای فقدان تأمین در برابر پیشامدهای احتمالی تعریف شده است. این پیشامدها شامل: رسوم اجتماعی، بلایای طبیعی، ناتوانی‌های جسمانی، هزینه‌های بی‌بازگشت و استثمار (چمبرز، ۱۳۷۶: ۱۳۴)، و روندهای بحرانی مانند مسائل جمعیتی، حاکمیتی و فناوری است (سرات^۱، ۲۰۱۷). مشاهدات میدانی و اظهارات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که مشاغل فقرای شهری به میزان زیادی متأثر از شرایط فوق بوده است، به گونه‌ای که کسب‌وکارهای آنان آسیب دیده و متعاقباً مشکلات متعدد معیشتی برای آنان پیش آمده است. این مقوله شامل مواردی مانند مکانیزه شدن تولید و خدمات، تحریم‌های اقتصادی، اپیدمی کرونا و حضور اتباع خارجی بوده است. این موارد در برخی اظهارات مشارکت‌کنندگان مطرح شده است:

«قبلاً تو بازار کار رفوگری فرش انجام می‌دادم، که چون بازار فرش کساد شد، کار ما هم از رونق افتاد و نتوانستم ادامه بدهم و بیشتر مواقع بیکار بودم» (مرد ۳۶ ساله). «قبلاً توی یک نانوایی سنتی کار می‌کردم که صاحب کارش عوض شد، صاحب کار جدید هم نانوایی ماشینی راه انداخت. دیگه به ما نیازی نبود ما هم بیکار شدیم» (مرد ۵۲ ساله).

بنابراین ماشینی شدن بیشترین تأثیر را بر نیروی کار ساده و فاقد مهارت داشته است. از آنجاکه اغلب مشارکت‌کنندگان فاقد مهارت و تخصص لازم بوده‌اند، هرگونه دگرگونی در تکنولوژی تولید و ارائه خدمات، موجب عدم انعطاف‌پذیری و خروج آنان از بازار کار شده است. تحریم‌های اقتصادی نیز از جمله شوک‌هایی بوده که در سال‌های اخیر بر نظام اقتصادی وارد شده و مشاغل فقرای شهری را تحت تأثیر قرار داده است. برخی مشارکت‌کنندگان تعطیلی برخی مشاغل خود در تولیدی‌ها، کارگاه‌ها و شرکت‌ها را ناشی از این دسته شرایط دانسته‌اند:

«شرکتمان تا پارسال ۶۰۰۰ نیرو داشت، الان کل نیروهاش شده ۹۰۰ نفر. خیلی از شرکت‌های تابعه‌اش بسته شدند، به خاطر همین تحریم‌ها» (مرد ۶۲ ساله). «از موقعی که تحریم‌ها زیاد شده، خیلی کار تو شرکت ما کم شده، مواد اولیه گیر نیامد. مسئول ما هم بهمون گفته می‌خواید برید، می‌خواید بمونید، من تضمین نمی‌کنم به موقع حقوقتون بدم. اگر فروختم درآمد داشتیم، بهتون دستمزد می‌دهم. آخرش هم میاد ۵۰۰ هزار تومان نصفه‌های برج بهمون می‌ده» (مرد ۳۵ ساله).

همچنین مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که بیماری همه‌گیر کرونا بر کسب‌وکارشان تأثیر زیادی داشته است. این مشاغل که اغلب در بخش‌های خدماتی و در محیط‌های پر ازدحام و خصوصی مانند کار در رستوران‌ها و تالارها و غیره بوده، با شیوع اپیدمی کرونا تعطیل شده است. در مجموع تأثیر کرونا بر معیشت فقرا از ابعاد متعدد قابل ملاحظه است، از جمله تأثیری که به‌طور غیرمستقیم به دلیل کاهش تقاضا برای برخی کالاها و خدمات در حوزه اقتصاد کلان اتفاق افتاده است و تأثیر مستقیم بر کسب‌وکارهای خرد. تعطیلی برخی مشاغل در اثر کرونا به بروز مشکلات حاد معیشتی و خانوادگی منجر شده است:

«کرونا که اومد رستوران محل کار شوهرم را چند ماه تعطیل کردند و شوهرم بیکار شد و ما موندم چکار کنیم، چی بخوریم. شوهرم من را فرستاد شهرستان پیش خانواده‌ام. حداقل اونجا خورد و خوراکی داشته باشم» (زن ۲۵ ساله). «پسرم توی تولیدی کفاشی کار می‌کرد، الان کرونا اومده بیکار شده» (زن ۶۰ ساله).

همچنین بسیاری از مشاغل خانگی که عمدتاً توسط زنان برای کمک به اقتصاد خانواده انجام می‌شد، تحت تأثیر اپیدمی کرونا تعطیل شده‌اند:

«الان خودم بیکارم، به خاطر کرونا کار بهم نمی‌دهند. قبلاً خونه‌ها می‌رفتم برای کار، اونجا هم به خاطر کرونا قبول نمی‌کنند می‌ترسند کرونا بگیرند» (زن ۴۵ ساله). «تا پارسال که کرونا نبود خونه‌ها کار می‌کردم، فرش می‌شستم، پله تمیز می‌کردم الان که دیگه کسی خونه‌اش راه نمی‌ده، می‌ترسند کرونا بگیرند» (زن ۳۷ ساله). «الان به خاطر کرونا کارهای خانگی خیلی کم شده. زنگ می‌زنیم می‌گند کار نداریم» (زن ۲۰ ساله).

از دیگر موارد مطرح شده توسط مشارکت‌کنندگان، حضور اتباع خارجی در بازار کار ایران است، که تأثیر قابل توجهی بر بازار کار پرتلاطم جامعه ایران داشته است. پرداخت دستمزدهای پائین‌تر به همراه عدم پرداخت مالیات، حق بیمه و اضافه‌کار، سبب شده است برخی کارفرمایان

به استفاده از این نوع کارگران ترغیب شوند. اظهارات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که آنان این عامل را تهدیدی برای فرصت‌های کاری خود تلقی کرده‌اند:

«الان شهر پر شده از افغانی. همه کارها را گرفتند دیگه کی به ما کار می‌ده؟! افغانی‌ها همه کارها را گرفته‌اند» (مرد ۴۵ ساله). «هرجا نگاه می‌کنی افغانی‌ها هستند همه کارها را گرفته‌اند کار برای ما نمی‌مونه» (مرد ۳۸ سال).

شرایط نامساعد محیط کار و اشتغال: با توجه به ماهیت غیررسمی اشتغال فقرای شهری و عدم حمایت قانونی و رسمی و بعضاً تعارض قانون و عوامل دولتی با این نوع اشتغال‌ها مانند دست‌فروشی و غیره، این فعالیت‌ها اغلب در شرایط و محیط نامساعد و آسیب‌پذیر برای جسم و روان برای افراد انجام شده است. کارگران غیررسمی در شرایط فقدان نظم کاری و فقدان حمایت اجتماعی و در مخاطره بودن با عوامل محیطی و سلامتی، حقوق اندک و آسیب‌پذیری فزاینده و استثمار کار می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۲۰). مشارکت‌کنندگان در تحقیق شرایط نامساعد کار و اشتغال را از جنبه‌های متعدد باعث طرد و آسیب‌پذیری و خروج خود از بازار کار دانسته‌اند. منظور از شرایط نامساعد کار، شرایطی است که به محیط کاری و نوع کار فقرای شهری برمی‌گردد. این مقوله خود دارای زیرمقوله‌های متعددی بوده از جمله: آسیب‌دیدگی جسمی، آسیب‌دیدگی روانی، استثمار و بهره‌کشی، درآمد اندک، فقدان حمایت‌های اجتماعی.

آسیب‌دیدگی جسمی: جسم و بدن اغلب تنها سرمایه فقرای شهری برای حضور در بازار کار شهری بوده است، با وجود این، در معرض انواع شرایط نامساعد و آسیب‌زا بوده، به گونه‌ای که به کارافتادگی آنان منجر شده است. برای مثال کارگران ساختمانی در معرض پرت شدن از ساختمان و آسیب‌های شدید جسمی هستند؛ آشغال جمع‌کن‌ها در معرض انواع آلودگی‌ها در اثر تماس با زباله هستند. مشارکت‌کنندگان روایت‌های متعددی را از آسیب‌دیدگی جسمی خود حین کار نقل کرده‌اند:

«به خاطر کاری که انجام می‌دهم و مرتب با آب تماس دارم، کمردرد و پا درد دارم» (زن ۳۷ ساله). «۱۵ سال توی نانوائی کارگری کردم تا اینکه هر دو پام عفونت کرد و خانه‌نشین شدم» (مرد ۴۵ ساله). «توی کارخانه شیمیایی کار می‌کردم، که به خاطر محیط کاری خیلی آلوده مریض شدم و چندبار بستری شدم. آخرش به خاطر سختی شرایط کار زودتر از موعد بعد از ۱۶ سال بازنشست شدم» (مرد ۵۷ ساله). «کار توی پرنده‌فروشی برای ریه‌هام خیلی مضره.

رفتم دکتر گفت باید محیط کارت عوض کنی» (مرد ۶۵ ساله). «شوهرم کارش جمع آوری زباله بود. در سن پنجاه سالگی به خاطر تماس با آلودگی به‌سختی مریض شد و فوت کرد» (زن ۶۰ ساله).

آسیب‌دیدگی روانی: مشاغل تهی‌دستان شهری اغلب با انواع آسیب‌دیدگی روانی همراه بوده است. این مشاغل که اغلب به‌صورت غیررسمی و موقتی است موجب ناامنی شغلی شده و در نتیجه تأثیر روانی زیادی بر افراد دارد. همچنین شرایط نامساعد روانی کار شامل انواع توهین، تحقیر، ترس از اخراج بوده است:

«در تهران شوهرم در شرکت خصوصی کار می‌کرد، که شرکت ورشکست شد؛ از اونجا بیرون اومدم، بعد ناراحتی اعصاب گرفتم دیگه خوب نشد. روانپزشک هم بردیم اون هم گفت فکر و خیال کرده این‌طور شده» (زن ۶۵ ساله).

درآمد اندک: درآمد اندک و ناکافی برای جبران هزینه‌های زندگی و تأمین نیازهای اولیه در شهر از مواردی بوده که به عدم جذب در بازار کار منجر شده است. درآمد اندک به‌طور مستقیم موجب عدم تأمین نیازهای اولیه افراد شده و بر سلامتی جسمی و روانی افراد تأثیر داشته است. همه مشارکت‌کنندگان درآمد خود را در مقابل هزینه‌های بالای زندگی در شهر کافی نمی‌دانستند. این هزینه‌ها شامل: تغذیه، مسکن، پوشاک، بهداشت و درمان و تأمین مراسم اجتماعی مانند جهیزیه، ازدواج و غیره می‌شود:

«کارمان کار نبوده. درآمدمان پائین است. ۲۹ ساله دارم کار می‌کنم ۲/۳۰۰ میلیون حقوق دارم، ۹۵۰ تومان اجاره میدم» (مرد ۵۹ ساله). پسر ۲۲ ساله، توی شرکت پگاه کارگری می‌کنه. گفت اگر بخوام خودم را بیمه کنم ماهی ۷۰۰ هزار تومان از حسابم کسر می‌شه، بعد چی گیرم میاد که مادر و خواهرم بخورند؟!» (زن ۴۹ ساله).

فقدان حمایت‌های اجتماعی: حمایت‌های اجتماعی در یک تقسیم‌بندی کلی به رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود. حمایت‌های رسمی به آن دسته حمایت‌هایی گفته می‌شود که توسط سازمان‌های رسمی اعمال می‌شود، مانند: انواع بیمه‌های اجتماعی و حمایت‌های قانونی توسط سازمان‌های دولتی و غیردولتی. حمایت‌های غیررسمی نیز به اشکال متعدد حمایت‌های نهادهای غیررسمی مانند: خانواده و گروه‌های خویشاوندی و همسایگی و هم‌محلی گفته می‌شود.

شود. مشارکت‌کنندگان فقدان حمایت‌های قانونی را به‌عنوان عامل طرد خود از بازار کار رسمی عنوان کرده‌اند:

«شوهرم چندماه در کارخانه شن و ماسه کار می‌کرد که چون بیمه برایش رد نمی‌کردند، او مدتی بیرون» (زن ۲۵ سال).

به نظر می‌رسد برخی قوانین بیمه و تأمین‌های اجتماعی نیز بر عدم پوشش بیمه‌ای مشارکت‌کنندگان تأثیر زیادی داشته است. این موضوع به‌ویژه در مورد درآمد اندک تهی‌دستان شهری که قادر به تأمین هزینه‌های هنگفت درمانی خود و خانواده نیستند، فشار زیادی را بر معیشت آنان وارد کرده است:

«پسرم ۱۹ ساله مریض شده عصب پاش آسیب‌دیده، شرکت هم بیمه نمی‌کنه، می‌گند طبق قانون پسر بالای ۱۸ سال تحت تکفل پدر نیست. آزاد هم بخوام بیمه‌اش کنم هزینه‌اش خیلی زیاده نمی‌تونم» (مرد ۶۲ سال).

اظهارات مشارکت‌کنندگان همچنین نشان می‌دهد که برخی کارفرمایان با روش‌های متعدد از بیمه کردن کارگران خود خودداری کرده‌اند. این موضوع با توجه به مخاطرات شغلی، مانند آسیب‌دیدگی جسمی، به هزینه‌های غیرقابل بازگشت منجر شده و خانوارهای تهی‌دست را در فقر شدیدتر قرار داده است.

«صاحب‌کارم بهم گفت پنجشنبه و جمعه‌ها هم وایسا کارکن، به‌جای حقوق در عوض بیمه برات رد می‌کنم. ۱۵ سال همین‌طور کار کردم. بعد از اینکه مریض شدم، رفتم بیمارستان نگاه کردند گفتند شما تویست بیمه نیستی بیمه نداری. صاحب‌کارم سرمون کلاه گذاشت» (مرد ۵۵ ساله).

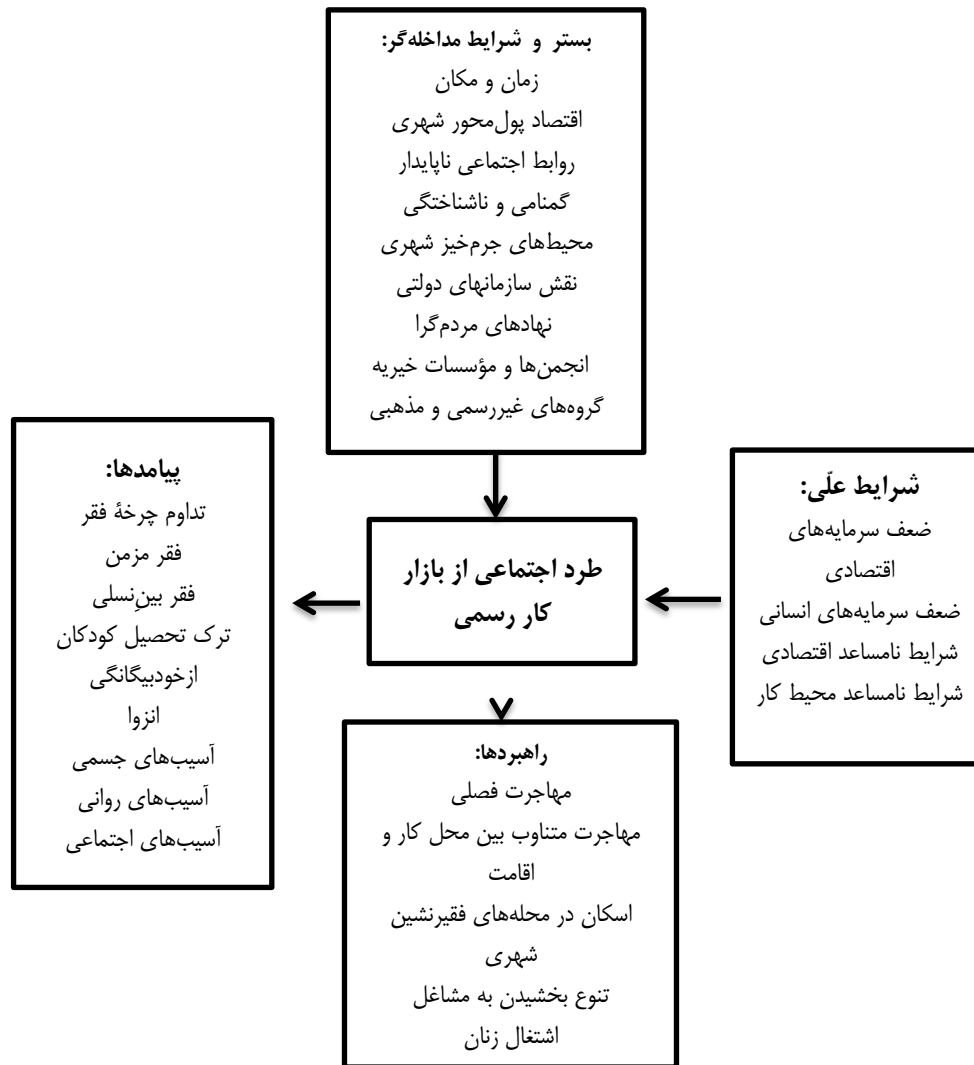
استثمار و بهره‌کشی: استثمار و بهره‌کشی از دیدگاه مارکس یکی از وجوه مشخص کار در نظام سرمایه‌داری است، که سبب می‌شود ارزش اضافه ناشی از اختلاف میزان کار انجام شده در تولید کالا و دستمزد پرداخت‌شده، به‌نفع سرمایه‌دار مصادره شود (آرون، ۱۳۷۲: ۱۷۱). اظهارات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد، استثمار به شیوه‌های مختلف توسط کارفرمایان اعمال شده است، از جمله: ساعت‌های کار طولانی‌مدت با درآمد ثابت، کار طاقت‌فرسا و دستمزد اندک، عدم پرداخت دستمزد به‌موقع، عدم پرداخت کامل دستمزد توافق شده و تخلف کارفرمایان از مفاد قرارداد.

«شش ماه افزایش حقوق سالیانه ما را به خاطر تغییر پیمانکار نمی‌دهند» (مرد ۳۷ ساله).
 «خونه‌هایی که میرم نظافت می‌کنم، بعضی وقت‌ها برای گرفتن پول از مشتری‌ها مشکل دارم
 و پولم را به‌طور کامل نمی‌دهند» (زن ۴۲ ساله). «در ماه فقط ماهی دو روز مرخصی داریم.
 حتی پنجشنبه جمعه‌ها و روزهای تعطیل، حتی روز عاشورا هم باید بریم سرکار، هیچ مبلغی
 هم بابت اضافه‌کاری به نمی‌دهند» (مرد ۵۱ ساله).
 همچنین، تخلف شرکت‌ها از مفاد قرارداد نیز از موارد مطرح شده توسط مشارکت‌کنندگان
 بوده است:

«خانمم را فرستادم کارخانه... بره سرکار. قراردادی که بین ما و شرکت امضا شد، روزی
 هشت ساعت کار با ۷۰۰ هزار تومان بود، ولی بعد که رفت سرکار روزی ده ساعت نگهش
 داشتند با همون دستمزد» (مرد ۴۲ ساله). «شوهرم صبح ساعت ۷ میره میدون برای کار تا ۵
 بعدازظهر که کارگری می‌کنه، روزی ۱۰۰ هزار تومان بهش می‌دهند. بعضی وقت‌ها همون هم
 نمی‌دهند» (زن ۲۵ ساله).

مدل پارادایمی تحقیق

مدل پارادایمی تحقیق بر اساس مدل اووه فلیک (۱۳۸۷: ۳۳۴) در چهار بُعد شرایط علی، بستر و
 شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تنظیم شده است. در این میان، مقوله مرکزی، طرد از بازار
 کار رسمی است. این مقوله متصل‌کننده مفاهیم و زیرمقوله‌هایی است که تجربه زیسته فقرای
 شهری در زمینه اشتغال را نشان می‌دهد. شرایط علی طرد فقرای شهری از بازار کار رسمی شامل
 چهار مقوله اصلی می‌شود: ۱. ضعف سرمایه مالی و اقتصادی، ۲. ضعف سرمایه انسانی، ۳.
 شرایط نامساعد اقتصادی و ۴. شرایط نامساعد محیط کار و اشتغال.



مدل ۱. مدل پارادایمی تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

طرد اجتماعی صرفاً به محیط‌های خرد منحصر نمی‌شود، بلکه به ساخت‌ها و فرایندهای کلان هم مربوط می‌شود. از این رو، با مراجعه به محیط‌های خرد از طریق تحقیقات کیفی جزءنگر، تأثیر فرایندهای کلان را نیز می‌توان مشاهده کرد. در بُعد کلان روند توسعه و رشد شتابان

شهرنشینی سریع، موجب مهاجرت گسترده روستائیان فاقد زمین و کار به شهرها شده و بازار کار شهری را با فشار مضاعفی روبه‌رو کرده است. عدم وجود زیرساخت‌ها و فرصت‌های کار و اشتغال مناسب، سبب شده بسیاری از مهاجران به شهرها، در حاشیه شهرها و در وضعیت فقر معیشتی زندگی کنند و انواع طرد اجتماعی را در زیست روزمره خود تجربه کنند. یکی از ابعاد طرد اجتماعی فقرای شهری، طرد از بازار کار و اشتغال رسمی است. اشتغال رسمی در مقیاس کلی با چالش‌های متعددی در ایران روبه‌رو بوده است، از جمله: نرخ بالای رشد جمعیت در دهه های قبل، که متأثر از آن پدیده جوانی جمعیت روی داده است و افزایش نرخ مشارکت زنان، مهاجرت‌های روستایی به شهرها همراه با مشکلات نهادی مانند: تورم، بیکاری، بوروکراسی ناکارآمد و افزایش تقاضای نیروی کار، همگی سبب شده بسیاری از متقاضیان و عرضه‌کنندگان نیروی کار به سمت فعالیت در بازار غیررسمی گرایش پیدا کنند.

نتایج نشان می‌دهد که بسیاری از فقرای شهری ساکن در محله‌ها و مناطق مورد مطالعه، دارای پیشینه فقر روستایی بوده‌اند و برای یافتن کار مناسب و رهایی از فقر، خود یا والدینشان در سال‌های دور و نزدیک به تهران مهاجرت کرده‌اند. مهاجران با سرمایه‌های اقتصادی و انسانی اندکی که داشتند، به امید بهبود معیشت خود رنج اقامت در شهر را به جان خریده‌اند و چه‌بسا در این راه شکست خورده یا پیروز از میدان بیرون آمده‌اند. با وجود این، شرایط دشوار جذب نیروی کار در بازار کار رسمی، افراد بسیاری را به بخش‌های غیررسمی بازار کار که در معرض انواع آسیب‌پذیری‌ها، مخاطرات، بیکاری و طرد از بازار کار هستند، سوق داده است.

بر اساس اظهارات مشارکت‌کنندگان، چهار مقوله اصلی به‌عنوان شرایط علی طرد فقرای شهری از بازار کار مؤثر بوده است، این مقوله‌ها شامل: ضعف سرمایه‌های اقتصادی، ضعف سرمایه انسانی، مخاطرات و شرایط نامساعد اقتصادی و شرایط نامساعد نوع اشتغال است. در زمینه طرد فقرای شهری از بازار کار رسمی ذکر چند نکته از نتایج تحقیق حائز اهمیت است: نخست اینکه در بسیاری مواقع حتی در بازار کار رسمی نیز برای اشتغال تهی‌دست شهری آن‌چنان‌که باید، محیط مساعد و امنی فراهم نشده است. درآمد اندک، عدم پوشش بیمه‌ای مناسب، نوبت کاری نامناسب، ساعت‌های کار طولانی‌مدت، تخلف کارفرمایان و شرکت‌ها از مفاد قرارداد و غیره موجب شده که در برخی موارد افراد ناچار به خروج از بازار کار رسمی شوند یا ترجیح دهند از کار خارج شوند. بنابراین به‌نوعی طرد عملی یا خود مطرودسازی از

محیط کار را تجربه کنند. شرایط نامساعد اقتصادی نیز به خروج افراد از بازار کار رسمی منجر شده است. برای مثال برخی از مشاغل رسمی (باوجود تعلق بیمه و قرارداد) متأثر از اپیدمی کرونا و تحریم‌های اقتصادی، بدون پرداخت هیچ‌گونه مزایای بیکاری تعطیل شده است. همچنین شرایط سخت کاری در برخی مشاغل و تعارضاتی که در تغییر قرارداد کارفرمایان هر ساله پیش آمده است، سبب تضييع حقوق افراد شده است.

دوم، باوجودی که اشتغال در بازار کار غیررسمی تنها راهبرد افراد برای جذب در بازار کار بوده است، اما بسیاری از فقرای شهری حتی در بازار کار غیررسمی نیز به دلایل مختلف نتوانسته‌اند جذب شوند. یکی از دلایل آن فقر سرمایه‌های انسانی مانند مهارت و حتی سلامتی جسمی است. مشاهدات نشان می‌دهد که داشتن مهارت حتی در بسیاری مشاغل غیررسمی نیز اهمیت زیادی داشته است. برای مثال در مقایسه مشخص شد که افراد جامعه مورد مطالعه که دارای تخصص و مهارتی مانند مکانیکی اتومبیل یا تأسیسات داشته‌اند، نسبت به افرادی که هیچ‌گونه تخصصی نداشتند، وضعیت بهتری از نظر کار داشتند. باوجود این، بازار کار غیررسمی اغلب برای شاغلان تهی دست نه به صورت کار دائم بلکه به صورت کار موقت، فصلی و گاه‌به‌گاه بوده است و افراد در بسیاری مواقع بیکاری را تجربه کرده‌اند. از جمله کارگران ساختمانی که در فصولی از سال کمترین تقاضا برای کار داشته‌اند.

سوم اینکه برخلاف معایبی که بازار کار غیررسمی برای فقرای شهری داشته است و آنان را با مخاطرات زیادی روبه‌رو کرده است برای آن‌سوی سکه یعنی کارفرمایان و صاحبان مشاغل مزایایی متعددی داشته است. پرداخت دستمزدهای اندک و عدم هرگونه تعهد قانونی و اخلاقی در قبال کارگران سبب شده که بازار کار همچنان برای کارفرمایان قابل رقابت باقی بماند و سوددهی بیشتر حاصل شود، درحالی‌که متقاضیان کار را با آسیب‌پذیری بیشتر مواجه می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد بازار کار غیررسمی و خارج از هرگونه نظارت قانونی باوجودی که بنا به تعریف جهت‌گیری رفع بیکاری داشته و دارای مزایای متعدد برای فقرای روستایی مهاجر به شهرها بوده است، اما در کشورهای در حال توسعه به‌نوعی به طرد تهی‌دستان شهری از بازار کار رسمی منجر شده است و خود نیز با انواع آسیب‌پذیری مواجه است.

پیشنهاد‌های تحقیق

با وجود اینکه مطالعات متعددی درباره فقر صورت گرفته، اما همچنان در این زمینه فقر مطالعاتی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد، پژوهش درباره حیات تهی‌دستان شهری در ایران در بسیاری سطوح با فقر مطالعاتی و غفلت نظری روبه‌رو است. مطالعه در زمینه‌هایی مانند اشتغال، بهداشت و درمان، مسکن، ازدواج و مهاجرت کمتر مورد توجه بوده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود با انجام مطالعه کیفی و کمی، ابعاد خاص زندگی تهی‌دستان شهری بیشتر مورد مذاقه قرار گیرد. به منظور ارائه پیشنهاد‌های کاربردی برای کاهش فقر و محرومیت باید گفت رفع فقر و محرومیت محقق نمی‌شود، مگر با رشد و توسعه اقتصادی گسترده توأم با توزیع ثروت در میان قشرهای مختلف جامعه. لذا هرگاه شاخص‌های اقتصادی در ابعاد کلی نزول پیدا می‌کند، تأثیر ویرانگر آن بر حیات تهی‌دستان شهری بیشتر رخ می‌دهد. همچنین نوع توسعه به کاررفته در کشور که موجب رشد بی‌رویه شهرها به قیمت خالی شدن روستاها از نیروی کار شده، به انتقال فقر از روستا به شهر منجر شده است، به گونه‌ای که تراکم فقر را در حاشیه شهرها شاهد هستیم. لذا ضروری است در الگوهای توسعه تجدیدنظر اساسی انجام شود. توجه به توسعه متوازن روستا و شهر و ایجاد زمینه‌های کار و اشتغال در روستاها می‌تواند به کاهش مهاجرت به شهرها کمک کند.

بر اساس مطالعه حاضر آسیب‌دیدگی جسمی و روانی در محیط‌های کاری پرخطر موجب خروج افراد از بازار کار و فرورفتن خانوار در فقر مطلق می‌شود. تأکید مطلب حاضر بر گسترش بیمه‌های اجتماعی و اشکال متنوع حمایت‌های اجتماعی به‌طور رسمی است. تقویت بیمه‌های اجتماعی و الزام کارفرمایان و شرکت‌ها به پوشش بیمه‌ای نیروی کار خود، فرهنگ‌سازی باهدف اشاعه بیمه‌ها، پائین آوردن نرخ و تنوع بخشیدن به خدمات بیمه‌ای متناسب با سطوح مختلف درآمدی از راهکارهای پیشنهاد شده در این زمینه است.

آگاهی‌بخشی و افزایش مهارت و شناخت تهی‌دستان شهری از حق و حقوق خود بی‌شک یکی از مهم‌ترین راه‌های مقابله با فقر است. در مراجعه به میدان تحقیق مشاهده شد که فقدان و یا نقصان این بُعد از سرمایه‌های انسانی، چه بسا موجب شده که آنان نتوانند در حیات شهری آن‌گونه که شایسته است حضور یابند و از حقوق خود دفاع کنند. از این رو، لازم است نهادها و

سازمان‌های امدادرسان بر این موضوع تأکید کرده و به‌جای صرفاً توزیع ارزاق و مایحتاج روزمره، به ارائه آموزش و خدمات مشاوره‌ای اقدام کنند.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۷۲)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱)، فقر، آسیب‌پذیری و توسعه، مطالعه موردی منطقه روستایی گرمسار، *نامه علوم اجتماعی*، دوره دهم، شماره ۲۰: ۲۹-۵۲.
- ازکیا، مصطفی و همکاران (۱۳۹۶)، *روش‌های پژوهشی کیفی از نظریه تا عمل*، تهران: انتشارات کیهان، جلد اول.
- بختیاری، صادق و خوب‌خواهی، خجسته (۱۳۹۰)، اشتغال در بازار کار غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن در ایران (۱۳۵۱-۱۳۸۵)، *جستارهای اقتصادی*، دوره هشتم، شماره ۱۵: ۱۱۷-۱۳۸.
- پورتال مناطق شهرداری تهران (۱۳۹۹)، به نشانی: <https://www.tehran.ir>
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی کار و شغل*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی. چمبرز، رابرت (۱۳۷۶)، *توسعه روستایی، اولویت‌بخشی به فقرا*، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دوسوتو، هرناندو (۱۳۸۶)، *راز سرمایه (چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهایی دیگر شکست می‌خورد)*، ترجمه فریدون تفضلی، تهران: نشر نی.
- زارع، بیژن (۱۳۸۹)، *تحولات جمعیتی شهر تهران در یک‌صد سال اخیر*، تهران: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران: موسسه نشر شهر.
- صادقی، رسول و زنجری، نسیم (۱۳۹۶)، الگوی فضایی نابرابری توسعه در مناطق ۲۲گانه کلان‌شهر تهران، *رفاه اجتماعی*، دوره هفدهم، شماره ۶: ۱۴۹-۱۸۴.
- طاهرپور، جواد (۱۳۹۷)، تأثیرپذیری بهره‌وری نیروی کار از تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی، *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، دوره هشتم، شماره ۳۱: ۱۹۷-۲۲۷.
- غفاری، غلامرضا و امید، رضا (۱۳۸۹)، چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه مطروودیت اجتماعی، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره دوم، شماره ۴: ۳۶-۶۶.
- فتحی، الهام (۱۳۹۷)، *روند تحولات جمعیت شهر تهران از گذشته تا آینده، دو ماهنامه تحلیلی-پژوهشی آمار*، مرکز آمار ایران، دوره ششم، شماره ۱: ۳۲-۳۵.

- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
- گیلبرت، آلن و گاگلر، ژوزف (۱۳۷۵)، *شهرها، فقر و توسعه (شهرنشینی در جهان سوم)* ترجمه پرویز کریمی ناصری، تهران: انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری تهران.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۴)، *نابرابری و قشریندای اجتماعی*، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۸)، *گزارش تحلیلی بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵*، تهران: دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری گروه جمعیت و سلامت.
- ناریان، دیپا؛ چمبرز، رابرت؛ شاه، میراک و پتس، پتی (۱۳۹۰)، *صدای فقرا، فریاد برای تغییر (پیامدهای توسعه)*، ترجمه مصطفی ازکیا و جمال رحمتی‌پور، تهران: شرکت انتشارات کیهان.
- Chambers, R. (1989), *Editorial Introduction: Vulnerability, Coping and Policy*. IDS Bulletin, 20, 1-7. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1759-5436.1989.mp20002001.x>
- Nowosielski, Michal (2012), "Challenging Urban Exclusion? Theory and Practice". *Polish Sociological Review*, 179(3), 369-383. <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:0168-ssoar-69631-5>
- Sen, Amartya (2000), *Social Exclusion: Concept, Application, and Security*, Office of Environment and Social Development Asian Development Bank, June 2000
- Serrat Olivier. (2017), *The Sustainable Livelihoods Approach*. In: Knowledge Solutions. Springer, Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-10-0983-9_5
- Silver Hilary (2007), *The process of social exclusion: the dynamics of an evolving concept*, Department of Sociology, Brown University, Providence, Rhode Island, USA
- Wratten, Ellen (1995), *Conceptualizing urban poverty*, *Sage Journalsblog* <https://doi.org/10.1177/095624789500700118>
- Worldbank (2020), <https://www.worldbank.org/en/topic/urbandevelopment/overview>